

نقوش تزینی بلوچ

سید محمد شه پخش *

کتاب ماه هر پنجم ارشد

۱۴۰

هنرمندان هنرهای تجسمی سعی دارند آثاری ارائه دهند که در آنها خلاقیت و نوآوری باشد، خلاقیتها و نوآوری‌هایی در عناصر، اصول و ساختار و... عمده‌ترین شیوهی کار نوآوری و خلاقیت در چارچوب سنت‌های موجود می‌باشد. تطابق نقوش سنتی با دیدگاه‌های هر عصر از وظایف اصلی هنرمند است. در این میان گاه به نقوش و عناصر سنتی‌ای برمی‌خوریم که دارای زیبایی و استحکام لازم برای تمام دوران می‌باشند، از جمله نقوش سنتی بلوچستان که انتزاع و سادگی در این نقوش آنها را جزء غنی‌ترین نقوش و نشانه‌های معاصر قرار می‌دهد.

تحقیق و بررسی و معرفی این نقوش علاوه بر شناساندن ذوق هنری مردم بلوچ، عاملی می‌شود که صاحبان ذوق هنری و هنرمندان هنرهای زیبا عناصری

قوی برای ارائه‌ی آثار خود در اختیار داشته باشند. از طرفی با توجه به ستر ذاتی قوم بلوچ و دوری آنها از دیگر مردم ایران، باب تبادل فرهنگی هنری این مردم که دارای ویژگی‌های بکر و دست نخورده‌ای هستند با دیگران فراهم خواهد شد.

در بررسی نقشمایه‌های رایج در هنرهای تصویری طوایف مختلف ایرانی کمتر اثری از نقوش سنتی بلوچ دیده می‌شود. این امر می‌تواند ناشی از بعد مسافت، شرایط خاص آب و هوایی، نوع زندگی عشیره‌ای و پراکندگی جمعیتی کم در استانی پهناور باشد. شناخت ویژگی‌های فرهنگی هنری و سوابق تاریخی اقوام مختلف ایرانی و شناساندن این ویژگی‌ها به دیگران می‌تواند عاملی باشد تا شناختی بهتر، دآوری و قضاوتی عادلانه‌تر نسبت به تیره‌ها و قومیت‌های مختلف ایرانی به وجود آید. فرهنگ و هنر اقوام مختلف ایرانی هر کدام از ویژگی‌ها و زیبایی‌های خاص خود بهره می‌برد. این ویژگی‌ها می‌تواند نشأت گرفته از طبیعت و اقلیم، اقوام همسایه، کوچ، مهاجرت‌ها و مهاجرپذیری‌ها و ... باشد.

نمونه‌های بسیاری از سازگاری و هماهنگی فرهنگ و هنر با طبیعت را می‌توان در سیستان و بلوچستان دید. طرح، جنس و رنگ پوشاک زنان و مردان سیستانی و بلوچ هماهنگی کاملی با طبیعت اطراف و محیط دارد. این هماهنگی را در معماری، آرایش پلاس و سیاه چادرها و همچنین نقوش مورد استفاده در صنایع و هنرها نیز می‌توان دید.

* * *

سابقه نقوش و عناصر تصویری

اشیا و آثار باستانی مکشوفه در سیستان و بلوچستان، نشانگر آن است که از حدود سه هزار سال قبل از میلاد این منطقه زیستگاه مردمی متمدن، هنرمند و دارای صنعت بوده است. مطالعه بر روی سفالینه‌های مکشوفه از مناطق باستانی سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد که: تغییر و تحولات چندین هزار ساله باعث دگرگونی و به وجود آمدن ساختار انتزاعی در برخی از نقوش، از جمله نقوش حیوانی و گیاهی شده است، هرچند بسیاری از نقوش از همان ابتدا در نهایت سادگی و دارای ساختاری هندسی بوده‌اند.

هم‌چنین اگر بخواهیم ساختار عمده‌ی نقوش (نقوش باستانی و نقوش امروزی) را با شکل‌های هندسی بسنجیم، قالب اکثر نقوش، به شکل مثلث می‌باشد. بیشتر نقوش با استفاده از ترکیباتی مثلثی شکل به وجود آمده‌اند. دلیل اینکه هنرمند بلوچ به عنوان عنصر اصلی و

واگیره نقوش‌هایش چرا از مثلث استفاده می‌کند به درستی روشن نیست، اما می‌توان چنین استنباط کرد که، عشایر بلوچ در کوچ‌هایش و در بعضی مواقع نوعی حالت تعقیب و گریز داشته است. زمانی مورد تهاجم و قتل و غارت قرار می‌گرفته و در مواقعی نیز به صورت مهاجم عمل می‌کرده است. این چنین روحیه‌ای هماهنگی و همسویی نزدیکی با ویژگی‌های بصری مثلث نوعی حالت تعرض به بیرون این شکل را نشان می‌دهد. زمانی که در آرامش بیشتری بوده و برای مدتی طولانی در یک مکان ساکن می‌شده است به مقتضیات حالات روحی متعادل‌تر از ترکیب مثلث‌ها، لوزی، مربع و ... می‌ساخته است؛ زمانی نیز اقدام به طرح‌های همسو با روحیه‌ی، آن زمان می‌کرده است.

نقشمایه‌های رایج در هنر و صنایع دستی

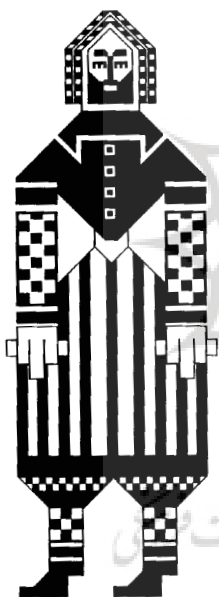
صنایع و هنرهایی که در ارتباط با کاربرد نقوش حائز اهمیت هستند، عبارتند از: دستبافته‌هایی مانند گلیم، سفره‌های آرد و نان، خورجین، جل و جوال و...؛ سوزن‌دوزی، مانند تکه‌های مختلف لباس محلی زنان، پرده، پستی، سکه‌دوزی و...؛ سفالینه‌ها، مانند کوزه، آبخوری، بخوردان و... .

برای تقسیم نقوش روش‌های مختلفی وجود دارد، از جمله اینکه می‌توان نقوش را براساس نوع استفاده و کاربرد آن تقسیم‌بندی کرد، مثل نقوش گلیم، قالی و غیره.

و یا براساس نوع ساختار هندسی، به طور مثال نقوش با ساختار مثلثی، نقوش با ساختار لوزی و غیره. اما به نظر می‌رسد که هرکدام از این تقسیم‌بندی‌ها دارای نارسایی‌هایی است. شاید بتوان تقسیم‌بندی چهارگانه: نقوش گیاهی، نقوش حیوانی، نقوش هندسی و نقوش انسانی را در این مورد اعمال کرد. در اینجا سعی می‌شود به معرفی نمونه‌هایی از نقوش براساس تقسیم‌بندی گروه‌های فوق پرداخته شود. ذکر معرفی کلیه‌ی نقوش رایج در صنایع سیستان و بلوچستان از عهده‌ی این مقاله خارج است و تنها برای آشنایی علاقه‌مندان به معرفی نمونه‌هایی از هر گروه از نقوش بسنده می‌کنیم.

نقوش انسانی

بنا به دلایلی که بیشتر به نهدی از شرک و بت‌پرستی در این خطه از میهن‌مان برمی‌گردد، کمتر به نقوش انسانی پرداخته شده است. نمونه‌هایی در نقوش ۱ و ۲ دیده می‌شود. این نقوش بیشتر در قالیچه‌هایی که در میان عشایر و مردم روستاهای اطراف شهرستان‌های زابل، سرخس و شمال خراسان طراحی و بافته می‌شوند، دیده می‌شود.



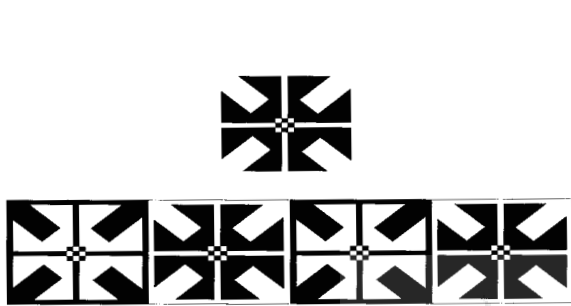
نقش شماره ۱- در تصویر بالا مردی با لباس بلوچی و ریش آرایش شده با پرومهای به هم پیوسته بلوچی آرایش ریش و شال و چپیه، هبیت یک مرد بلوچ را کاملاً تداعی می‌کند.



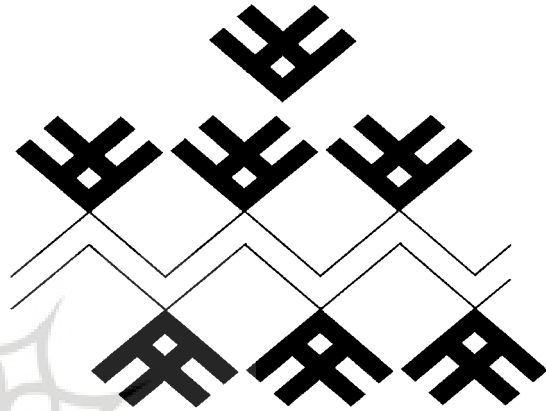
نقش شماره ۲- نقشی از زن بلوچ با لباس‌های سوزن‌دوزی شده

نقوش حیوانی

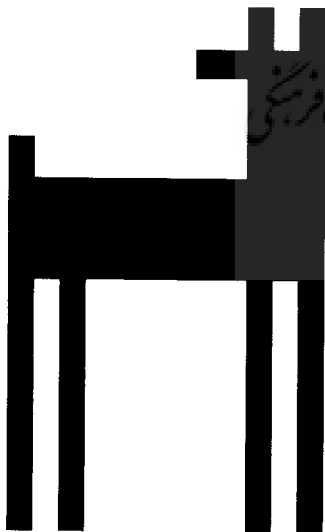
نقوش حیوانی را بیشتر از نقوش دیگر (انسانی، گیاهی) بلوچ، در قالب‌های هندسی می‌توان دید. نقوش نشان می‌دهد که هنرمند بلوچ با چه مهارتی اجزا و اندام‌های حیوان را به صورت قرینه و ترکیب‌بندی‌های متقارن ارائه کرده است و در نهایت آنها به صورت نقشی هندسی مشاهده می‌شوند. تصاویر زیر نمونه‌هایی از این دست نقوش می‌باشند.



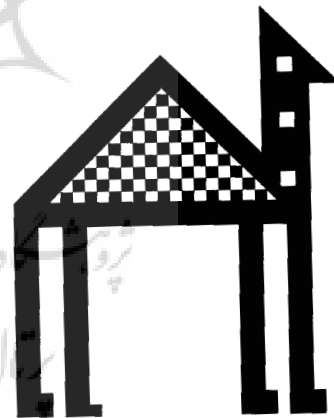
نقش شماره ۳- کچک پد (اثر پای سگ بر روی زمین خاکی)



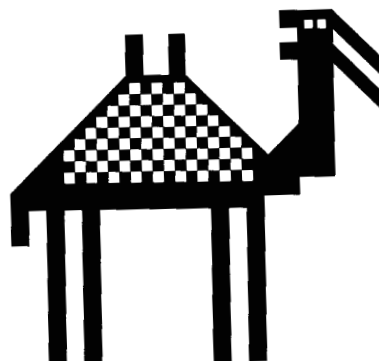
نقش شماره ۴- مورگ پد (رد پای مرغ بر روی زمین خاکی)



نقش شماره ۵- سگ (نقش سگ)



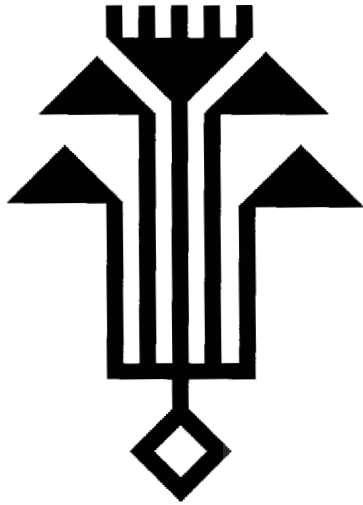
نقش شماره ۶- نقش شتر (مربوط به گلیم)



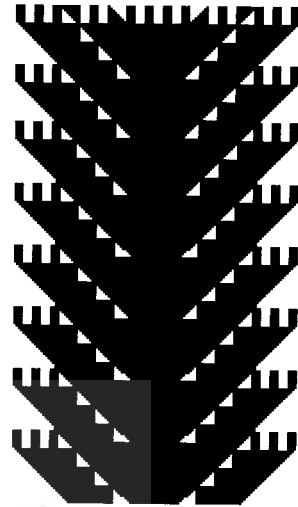
نقش شماره ۷- نقش شتر (مربوط به قالیچه)

نقوش گیاهی

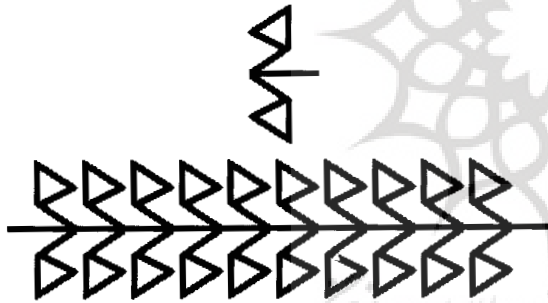
در زیر چند نمونه از نقوش گیاهی بلوچ دیده می‌شود که نهایت انتزاع و هندسی بودن در این نقوش دیده می‌شود؛ علاوه بر آن از قرینه‌سازی نیز در نهایت هنرمندی استفاده شده است.



نقش شماره ۹- مربوط به نقوش گلیم و قالیچه

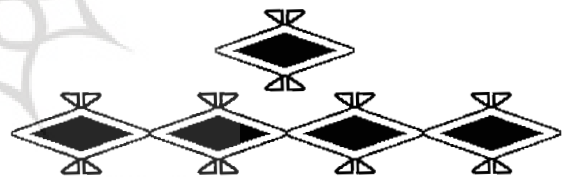


نقش شماره ۸- درخت زندگی (گلیم، سفره‌های آرد و نان)

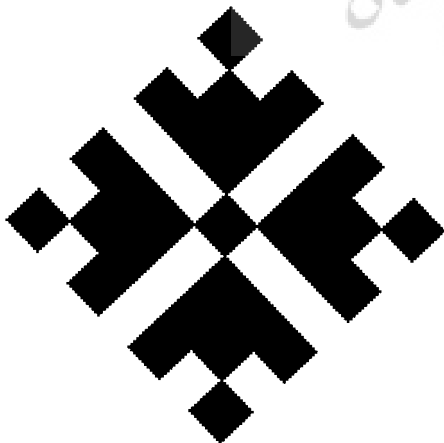


نقش شماره ۱۰- درنجک

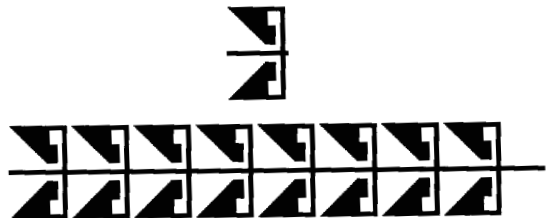
(در اصطلاح بومی شاخه‌ای از درخت که به وسیله‌ی آن تله‌ای برای شکار پرندگان می‌سازند)



نقش شماره ۱۱- نقشی دیگر از درنجک (از نقوش مربوط به گلیم)



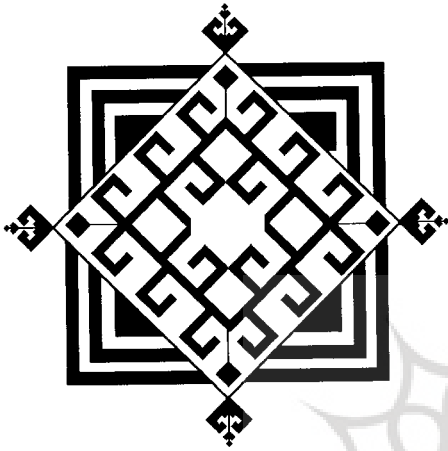
نقش شماره ۱۳- گل چهارتاک (نقوش گلیم، قالیچه)



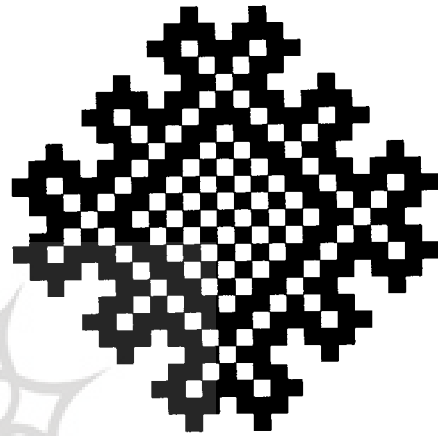
نقش شماره ۱۲- نقش دیگری از درنجک (مربوط به گلیم)

نقوش هندسی

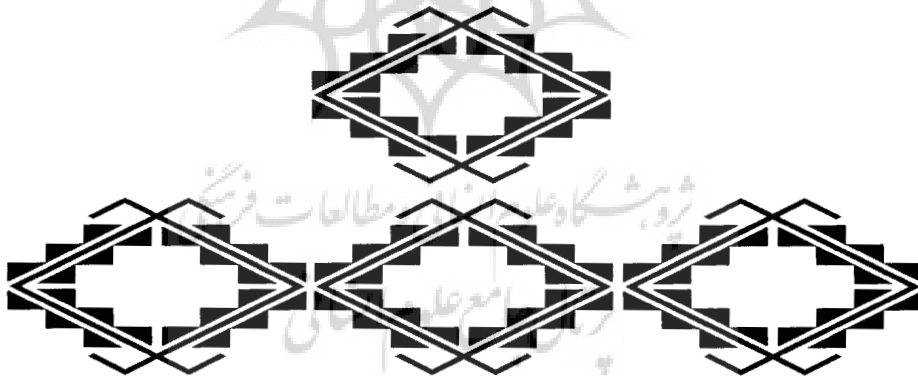
نقوش هندسی قسمت اعظم نقوش کاربردی بلوچ را تشکیل می‌دهد. در دستبافته‌هایی مانند قالیچه و گلیم، سوزندوزی‌ها، تزیین سفال‌ها و حتی محصولات زرگری و حصیربافی‌ها، نقش‌های هندسی با تنوع بسیار خودنمایی می‌کنند. نمونه‌هایی از این نقوش در این تصاویر دیده می‌شوند.



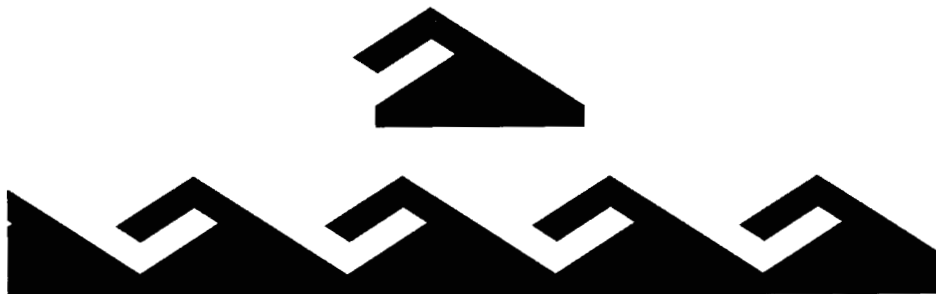
نقش شماره ۱۵- از نقوش مربوط به سوزن‌دوزی (این نقش بیشتر در سوزن‌دوزی‌ها استفاده می‌شود)



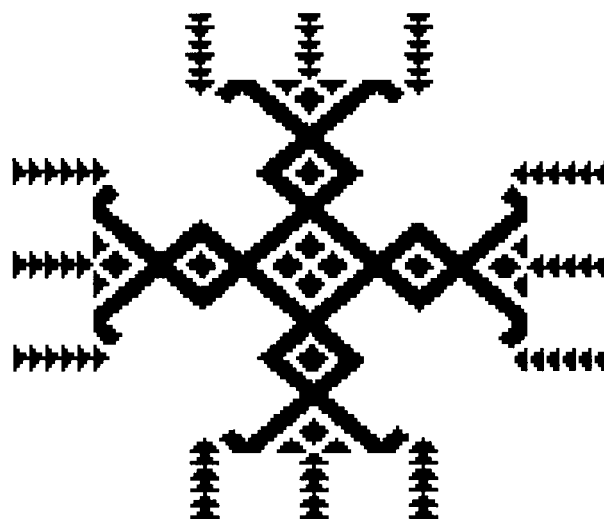
نقش شماره ۱۴- گل شیدا (از نقوش سوزن‌دوزی)



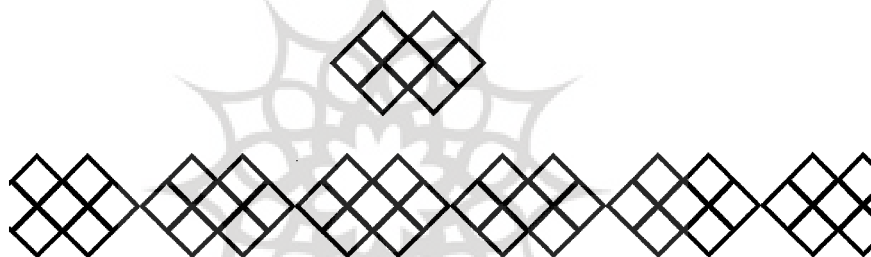
نقش شماره ۱۶- عجب (عجیب، زیبا) از نقوش گلیم



نقش شماره ۱۷- جیلک مصغر جیل = دستبند زندانی و اسیر) از نقوش گلیم



نقش شماره ۱۸ - نوعی دیگر از گل شیدا (مربوط به نقوش سوزن‌دوزی)



نقش شماره ۱۹ - هشت چم (۸ چشم) مربوط به نقوش گلیم

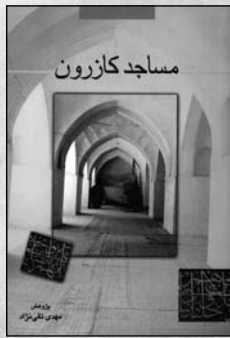
بر اساس سنت و باورهای قومی و عشیره‌ای، آن را سوزن‌دوزی کرده و یا با دانه‌های اسپند به هم بافته و بر بالای سر در محل زندگی خود به عنوان بلاگردان نصب کرده است. مثلث با دارا بودن سه گوشه‌ی تیز و فرو رونده، حالتی تهاجمی و تعرض‌گونه به بیرون دارد که در باورهای عامیانه‌ی بلوچ وجود این شکل در هر مکانی باعث گریز و دوری کردن ارواح خبیثه و دیگر دشمنان خواهد بود. در مبانی هنرهای تجسمی مدرن و امروزی نیز مثلث دارای همین مفهوم است.

به تصویر کشیدن و نقش زدن مفاهیم پربار و عمیق و ساده کردن آن در شکلی هندسی، می‌تواند از ویژگی‌های هنر بلوچ باشد. از طرفی زندگی ماشینی و شتابنده‌ی امروزی، تغییر و تحولات وافری در روحیه، دیدگاه و طرز تفکر مخاطبان آثار هنری گذاشته است. زندگی امروز، زندگی شتاب و سرعت می‌باشد، پیام‌های هنری، به خصوص تصویری باید سریع و تأثیرگذار باشند؛ لحظه‌ها شتابان می‌گذرند. انسان امروزی برای لحظه‌لحظه‌ی زندگی برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده‌ای دارد، برای چنین مخاطبانی، عناصر پیام‌دهنده باید دارای صفات و ویژگی‌هایی باشد که عمده‌ی این صفات عبارتند از: جذاب بودن، جامع و مانع بودن و نهایتاً ساده بودن. چنین صفاتی را می‌توان در هنرهای تصویری بلوچ دید. هرچند که نحوه به کارگیری و استفاده از این نقوش در آثار هنری امروز نیاز به شناخت کافی از ارزش‌های مفهومی و سابقه‌ی این نقوش دارد.

بررسی این نمونه نقوش و نمونه‌های دیگر بیانگر این است که هنرهای بومی با ساختار انتزاعی می‌توانند در طیفی بسیار وسیع در خدمت گرافیک امروز باشند. هنرهای بومی که از فرایند تأثیرگذاری نسل‌های مختلف طی قرون متمادی به دست آمده و به امروز منتقل شده است از صفات ممتازی برخوردار است که می‌تواند آن را به عنوان عنصری قوی در ترکیب‌بندی آثار هنرمندان امروزی قرار دهد. عمده‌ی این صفات عبارتند از:

- جذابیت رنگ و فرم و هماهنگی بین آنها
- نهایت سادگی و انتزاع در این نوع از هنر
- ریشه در طبیعت و سنت
- ارزش‌های نمادین
- هماهنگ بودن با قالب‌های هنر امروزی

باتوجه به ساختار انتزاعی و هندسی بودن نقشمایه‌های بلوچ، این نقشمایه‌ها می‌توانند به عنوان عنصر اصلی آثار هنرمندان در زمینه‌های آرم‌سازی، پوستر روی جلد، تصویرسازی و... به کار گرفته شوند. نقشمایه‌هایی که در دسترس و اختیار هنرمند بافنده، سوزن‌دوز و سفالگر بلوچ است، قرن‌ها دست به دست گشته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده تا به ساختار امروزی رسیده است. ویژگی مهم نقشمایه‌های بلوچ در جذابیت آنهاست. به علاوه نمی‌توان ارزش‌های مفهومی و نمادین نهفته در آنها را نادیده گرفت. هنرمند بلوچ با استفاده از شکل مثلث نقشی ساخته و



مساجد کازرون

مهدي تقی نژاد

نشر کازرونیه، ۱۳۸۴

به نظر می‌رسد نخستین مساجد منطقه‌ی کازرون در سال‌های ابتدایی ورود مسلمانان ساخته شده باشد، از جمله در شاپور، دریس، جره، نورد و راهبان که در نیمه‌ی نخست قرن اول هجری دارای مسجد شدند. اما ساخت مسجد با توجه به حضور زرتشتیان و تسلط آنها تا قرن چهارم هجری به تأخیر افتاده است. اثر حاضر که به روند ساخت مساجد کازرون پرداخته است، تلاش می‌کند تا سابقه‌ی تاریخی، معماری و سازندگان این مساجد را با اسناد و مدارک معتبر ارائه دهد. نویسنده معماری مساجد کازرون را دارای ویژگی‌هایی می‌داند از جمله: معماری ساده با ستون‌های ضخیم، استفاده از گچ و سنگ لاشه، فقدان مناره و پرهیز از عناصر تزئینی. وی معتقد است که بررسی علل و عوامل شکل‌گیری این معماری، با نتایج جالبی همراه است که علاوه بر کارکردهای عبادتگاهی، کارکردهای دیگر مساجد، همچون آموزشی و اجتماعی آن را خاطر نشان می‌سازد. بی‌شک مساجد و جریان شکل‌گیری آن ارتباط آن با مردم، حکایتی است دیرینه. تقی‌نژاد به مساجد کازرون در منابع تاریخی اشاره می‌کند و آن‌گاه به ویژگی‌های معماری این مساجد می‌پردازد. معماری‌ای که از معماری دیگر بناهای منطقه پیروی می‌کند، با شبستانی بدون در و پنجره در ضلع جنوبی (به سمت قبله) و شبستان یا سردابه‌ای (زیرزمین) در ضلع شمالی صحن. اینکه وجود مصالحی چون سنگ، آهک، گچ و خاک در ساخت مساجد، ویژگی خاصی به معماری آنها داده و وجه غالب تزئینات مساجد سنتی کازرون، سادگی است. گچ و کاربری آن در تزئینات، شکل‌دهنده‌ی عمده‌ی تزئینات مساجد کازرون است. در معدودی از مساجد استفاده از ترکیب رنگ‌ها به صورت خطوط منحنی و اسلیمی به کار رفته بود.

نگارنده سپس به مساجد از بین رفته، پیش نمازان مسجد و مساجد از نظر وسعت و اهمیت پرداخته و آنها را در چهار گروه طبقه‌بندی کرده است: مساجد بزرگ و جامع، مساجد متوسط، مسجد بقعه‌ها و مسجد‌های کوچک محله. وی به نام‌های مساجد و پراکندگی آنها نیز اشاره‌ای دارد.

بررسی و مطالعه آثار تجسمی و تصویری بلوچ از جانب هنرمندان هنرهای تجسمی می‌تواند منشأ تحولاتی در طراحی باشد. چرا که این آثار در نهایت سادگی و انتزاع و از طرفی از حیث مفهومی بسیار قوی می‌باشند و باتوجه به ویژگی هندسی بودن می‌توانند به راحتی با عناصر دیگر ترکیب شوند.

منابع:

۱. هال، آلستر. گلیم. شیرین همایون فر، نشر کارنگ، ۱۳۷۷، صص ۳۰۸-۳۲۳.
۲. ملک رئیسی، حسین. جغرافیای استان سیستان و بلوچستان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران: ۱۳۸۱، صص ۲۵-۱۰.
۳. حصوری، علی. فرش سیستان، تهران: انتشارات فرهنگان، صص ۷-۳.
۴. کرباسچی، مسعود. بررسی امکانات توسعه صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی صنایع دستی، اصفهان: دانشگاه هنر، ۱۳۷۳، صص ۲۴-۵.
۵. نصیری، محمدجواد. سبزی در هنر قالبیابی ایران، مؤلف، ۱۳۷۴، صص ۱۹۸-۱۹۷.
۶. هونه‌گر، آلفرد. نمادها و نشانه‌ها، علی صلح‌جو، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۴.
۷. عناصری، جابر. هنر پلاستیک، فصلنامه هنر، شماره ۱، ۱۳۶۱، صص ۱۳۱ و ۱۲۵.
8. Maurizio I. (1974). Bampur A Problem of Loslation. EW. 59 pp
9. La Citta Brucita Del Dessrto Salato, Gixswppe Tucci Erizzo Editrice, Universita D Venezia, 1977.
10. Beatrice, D.C. 1968. Excavations at Bampur, S.E. IRAN: A Brief Report. J.Brit. Inst. Pers. Sud. VI. 135.
11. Boxcher. Baloch women, Treasyres.